

توسعه جامع

مفهوم توسعه

توسعه در لغت به معنای گسترش دادن و در اصطلاح ، به معنای دگرگون ساختن وضع موجود جامعه در جهت پیشرفت و مدرنیزه کردن سازمانهای اساسی آن است. برخی از دانشمندان ، توسعه را یک ایدئولوژی دانسته اند که بر تحول و دگرگونی ارگانیک دلالت می کند و ناظر بر ارزشهای جامعه می باشد. بنا بر این ، توسعه با ایستایی و حفظ وضع موجود در تعارض است و در عین حال ، با ملاحظه ارزشهای ملی ، فرهنگی و دینی تحقق می یابد. بر همین اساس ، بسیاری از پژوهشگران ، توسعه را فرایندی دانسته اند که بهبود مستمر در همه ابعاد زندگی انسانی ، اعم از مادی و معنوی را تضمین می کند.

ابعاد توسعه

توسعه در شکل جامع آن ، شامل ابعاد زیر می گردد:

- توسعه سیاسی
- توسعه اقتصادی
- توسعه اجتماعی
- توسعه فرهنگی

در پرتو تجارب بشری روشن می گردد که فراگیر بودن توسعه در ابعاد چهارگانه آن ، موجب تحولات اساسی و رشد پایدار کشور می شود و در سایه تحقق آن ، فرایند توسعه ملی شکل می گیرد.

بنا بر این ، هریک از ابعاد توسعه ، جایگاه ویژه خود را دارد و هیچیک از آنها نباید در راه دیگری قربانی شود. اینک به شرح نمادها و نمادهای هریک از ابعاد یادشده می پردازیم.

توسعه سیاسی

جمعی از دانشمندان ، توسعه سیاسی را فرایندی دانسته اند که مستلزم تحقق مشارکت عمومی ، دموکراسی ، استقرار نظام ، نوگرایی ، اصلاحات اداری و بسیج نیروها و امکانات می باشد.

برخی دیگر می گویند: " توسعه سیاسی به معنای توانایی ذاتی یک نظام ، جهت پاسخگویی به نیازهای مردم است که مبتنی بر مشروعیت و مشارکت همگانی مردم در امور سیاسی می باشد " .

بعضی دیگر بر آنند که : " توسعه سیاسی عبارت است از افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته های مردم ، تنوع ساختاری ، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی " .

ارکان توسعه سیاسی

پایه های اصلی توسعه سیاسی عبارتند از :

- 1- مردمسالاری
- 2- تحقق آزادی و حقوق اساسی مردم
- 3- حکومت قانون
- 4- ارتقاء مشروعیت نظام در پرتو پشتیبانی ملت و تقویت رابطه دولتمردان با مردم و عملکرد صحیح حکومت.
- 5- توزیع منطقی قدرت بر مبنای اصل تفکیک قوا
- 6- افزایش کارایی نظام اداری و رفع نواقص دیوانسالاری در جهت خدمت رسانی بهتر به مردم.
- 7- توانایی نظام در جذب مشارکت مردم در عرصه های محلی و ملی
- 8- هماهنگی عملکرد نظام با سیاستهای اعلام شده آن
- 9- استقلال سیاسی و رفع وابستگی
10. تقویت وحدت ملی
11. پاسخگو بودن نظام
12. تخصصی شدن ساختارها و تکیه بر شایسته سالاری از طریق تربیت کادر متخصص و سپردن امور به مدیران لایق.
13. توانایی نظام در ایجاد انسجام میان ارزش ها و عملکردها.

14. پیاده کردن سیاست گفتگو ، تفاهم ، احترام متقابل و تنش زدایی در همه عرصه های کشوری ، منطقه ای و بین المللی.
15. استقبال از نوگرایی و کثرت گرایی سیاسی.
16. ترجیح منافع و مصالح ملی بر کلیه گرایشهای جناحی ، گروهی ، حزبی ، قومی و غیر آن .
17. اتخاذ سیاست مدارا و شکیبایی در تعامل با دیگران.
18. بالا بردن کارایی دستگاه دیپلماسی کشور بر مبنای کارشناسی دقیق ، ابتکار در عمل ، توانایی مدیران و اقدام بهنگام ، در جهت تأمین منافع ملی در منطقه و در سطح بین المللی.

مردمسالاری

اگر در یک نظام مردمسالار ، هم رای ها و هم رای دهندگان آزاد باشند و در عین سلطه اکثریت ، حقوق اقلیت نیز محترم شمرده شود و از حرمت سنتها و ارزشهای جامعه پاسداری بعمل آید و تحزب های تصنعی به نظام چند حزبی نهادینه شده و عادلانه تکامل یابد، آنگاه بسیاری از نواقص دموکراسی برطرف می گردد و چهره واقعی و درخشان مردمسالاری جلوه گر می شود.

ارکان مردمسالاری

پایه های اصلی دموکراسی عبارتند از:

1. تعیین رهبران و کارگزاران نظام از طریق انتخابات آزاد
2. فراهم ساختن زمینه مشارکت مردم
3. پاسخگو بودن مسئولان کشور در تمام رده های حکومتی در برابر مردم
4. آزادی افراد ، رسانه ها و دستگاه های ارتباط جمعی در نقد حکومت
5. فعال شدن سازمانهای مردمی و غیر دولتی (NGO).

اصل آزادی و حقوق شهروندان

آزادی ، یکی از آرمانهای بلند انسانها و بستر بالندگی جوامع بشری و یکی از والاترین رسالتهای پیامبران در طول تاریخ بوده است. مهمترین حقوق و آزادیهای اساسی که حکومت باید در چهارچوب قانون محترم شمارد و با تمام امکانات خود از آنها حراست نماید ، به شرح زیر می باشد:

1. حق حیات و سلامتی
 2. آزادی اندیشه و عقیده
 3. آزادی بیان و مطبوعات
 4. آزادی همایشها و اجتماعات مسالمت آمیز
- توضیح:
- الف – گردهمایی در مکانهای سرپوشیده ، نیازی به اجازه مقامات ندارد.
- ب – اجتماعات در فضای باز ، در چهارچوب قانون و با کسب مجوز انجام می گردد.
5. آزادی تشکیل احزاب ، انجمن ها ، جمعیت ها و اتحادیه ها
 6. آزادی انجام امور دینی و فرهنگی به صورت مسالمت آمیز
 7. آزادی انتخاب شغل
 8. آزادی در شیوه زندگی شخصی ، تا جایی که موجب سلب حقوق دیگران و بر خلاف نظم و قانون نباشد
 9. مصونیت منازل شخصی مردم و عدم جواز ورود مأموران به خانه ها ، مگر به حکم قانون.
 10. مصونیت نامه های خصوصی و اسرار تلفنی و امثال آن و عدم کنترل آنها ، مگر در چهارچوب قانون
 11. عدم تبعیض در نژاد ، مذهب ، زبان و بینش سیاسی در برخورداری از حقوق و آزادیهای قانونی
 12. رعایت عدالت در خصوص زنان و مراعات حقوق و کرامت آنان بر اساس قانون
 13. تساوی افراد و اقشار مردم در برابر قانون
 14. در نظر گرفتن اصل برائت در تعامل با مردم ، مگر اینکه خلاف آن توسط مراجع قانونی به صورت قطعی به اثبات برسد.
 15. ممنوعیت خشونت ، شکنجه و توسل به اسلحه برای اهداف عقیدتی ، گروهی ، قومی و غیر آن.
 16. ممنوعیت توهین و افتراء بر علیه اشخاص ، سازمانها ، گروه های نژادی و پیروان مذاهب.
 17. مصونیت مال ، جان ، ناموس و آبروی مردم در پناه قانون.

توسعه اقتصادی

مقصود ما از توسعه اقتصادی عبارت است از: " فرایند رشد اقتصادی و ارتقاء فنی و سازمانی در عرصه تولید و تخصیص منابع مادی و انسانی ؛ همراه با عدالت توزیعی و کاهش نابرابری ". بر این اساس ، " توسعه اقتصادی " مفهومی فراتر از " رشد اقتصادی " است و علاوه بر اهتمام به شاخصهای کمی مانند تولید ناخالص ملی و داخلی ، به بررسی تغییرات ساختاری در زمینه کیفیت انجام تولید و تخصیص منابع می پردازد و در عین حال ، با تکیه بر تأمین اهداف اجتماعی ، تداوم رشد اقتصادی را تضمین می کند.

اهمیت توسعه اقتصادی

با مطالعه فلسفه تاریخ تمدنها روشن می گردد که توسعه اقتصادی ، یکی از اصول اساسی کرامت ، استقلال و پویایی جامعه است و بدون دستیابی به این موهبت بزرگ ، امکان رسیدن به مقام توسعه ملی وجود ندارد و تمامیت سیاسی ، شئون ملی ، مبانی فرهنگی و بنیانهای اجتماعی نیز ، در معرض خطر قرار می گیرند. نیا بر این ، اهتمام ورزیدن به امر توسعه اقتصادی ، از مهمترین اولویتهای جامعه محسوب می شود و افزایش تلاشهای دولت و نهادهای اقتصادی کشور را در این زمینه می طلبد.

نمادهای توسعه اقتصادی

در جهان امروز مشاهده می کنیم که برخی از کشورها در اروپای غربی ؛ آمریکای شمالی و شرق آسیا ، با انتخاب سیاستهای حساب شده ، توانستند به سرعت از پیچ و خم جاده توسعه اقتصادی بگذرند و تجارب گرانبهایی در زمینه رشد اقتصادی بدست آورند.

در تفسیر و تحلیل این رشد ، پیروان مکاتب اقتصادی کلاسیک ، نئو کلاسیک ، مکتب کینز و امثال آنها ؛ دیدگاه های خاص خود را در جهت طراحی نظام اقتصادی مطرح نموده اند.

البته ، هریک از این مکاتب یادشده در عرصه های مورد مطالعه خویش ، دستاوردهایی را ارائه داده اند که به گفته " لوئیس " (یکی از صاحب نظران اقتصاد توسعه) ، به دیدگاه های کلیدی آنان مراجعه می شود. به عنوان نمونه ، کلاسیکها در

مورد بازار آزاد ، نئو کلاسیکها در زمینه کارآفرینی ، پیروان مکتب شیکاگو در زمینه نقش آموزش ، فیزیوکراتها در خصوص کشاورزی و مکتب سوداگران (مرکانتلیستها) در زمینه مازاد صادرات ؛ نقطه نظرهای ارزشمندی را مطرح نموده اند.

شایسته است کمالات و تجارب گرانبهای کشورهای توسعه یافته را مطالعه نماییم و با دیدی کارشناسانه و مبتکرانه و با ملاحظه ویژگیها و ظرفیتهای واقعی کشور، این دستاوردها را مورد استفاده قرار دهیم.

در اینجا به منظور رعایت اختصار، اصول اساسی را که در تدوین و اجرای طرح توسعه اقتصادی نقش دارند ؛ یادآور می شویم:

1. الزام دستگاههای اقتصادی به امر آموزش مستمر در همه سطوح مدیریتی اقتصادی و فنی ، بر اساس آخرین دستاوردهای علمی در سطح جهان.
2. اصل قرار دادن سیاست واردات دانش ، بجای واردات کالا.
3. افزایش اعتبارات در زمینه تحقیقات و فن آوری.
4. زدودن تبعیض میان اقوام کشور و تلاش در جهت تقسیم عادلانه ثروت میان اقوام و اقشار جامعه.
- توضیح : تقسیم ثروت ، به معنای گرفتن از اغنیاء و دادن به فقراء نیست ؛ بلکه به معنای ایجاد رشد اقتصادی و توزیع مازاد آن بر اقشار مستمند میباشد.
5. کاستن از کمیت فعالیتهای اقتصادی دولت و افزایش کیفیت هدایتی و حمایتی آن در زمینه تغییر فنی توسط مؤسسه های پژوهشی و ایجاد تعادل در عرصه های تولید و مصرف و اهتمام به زیرسازیهها و ساختارهای بنیادین صنعتی و ارائه اطلاعات مورد نیاز بازار.
6. هدایت فرایندهای اقتصادی توسط دولت ، به منظور کاستن تفاوتهای توزیعی میان مردم ، در حدی که از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی قابل قبول باشد.
7. ایجاد ارتباط متقابل میان بخشهای آموزشی و مدیریتهای اجرایی اقتصادی کشور در جهت تبادل تجارب و معلومات و برآورد میزان عرضه و تقاضا در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص.
8. توجه به نقش اساسی عامل انسانی و توزیع مناسب سرمایه میان بخشهای صنعتی و کشاورزی .
9. برنامه ریزی در جهت رشد تولید ملی ، نسبت به مصرف ملی.
10. توجه به شاخصهای توسعه انسانی (HDI) شامل طول عمر ، امید به زندگی، میزان دانش و درآمد پایه ؛ به عنوان معیار توسعه اقتصادی پایدار ؛ در کنار توجه به تولید ناخالص ملی (GNP) به عنوان معیار رشد اقتصادی.

11. برنامه ریزی در جهت جلوگیری از خروج سرمایه های داخلی و گسترش سرمایه گذاری خارجی ، از طریق اعطاء تضمینهای لازم و فراهم آوردن ثبات سیاسی.
12. اهتمام به سیاستهای تعاونی در جهت ایجاد ساختارهای عادلانه اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی .
13. محدود کردن واردات ، به منظور تشویق صنایع داخلی ، همگام با تضمین ارتقاء سطح کیفی آن.
14. بهینه سازی روشهای تولید در زمینه های صنعت ، کشاورزی ، دامداری ، شیلات و غیره.
15. بالا بردن سطح تراز بازرگانی و رفع موانع صادرات.
16. اولویت دادن سرمایه گذاری صنعتی به موارد پیوند ماقبل و مابعد ، مانند صنعت پتروشیمی ، ذوب آهن و امثال آن.
17. قرار گرفتن میزان سود سرمایه دار در سطحی که با سهم دستمزد از مجموع محصول خالص همخوانی داشته و با تولید کالای دستمزدی (مقدار کالایی که با دستمزد می توان خرید) متناسب باشد.
18. تنظیم نظام مالیاتی بر مبنای محاسبه دقیق "رانت" ، به نحوی که انگیزه اشتغال ، به قوت خود باقی بماند.
19. برنامه ریزی در جهت صرفه جویی در مصرف و انضباط مالی و جلوگیری از اسراف ، بویژه در حوزه مصارف ارزی.
20. بالا بردن سطح اشتغال از طریق اجرای طرحهای اساسی ، مانند برطرف کردن کسری تراز تجاری و افزایش استفاده از نیروی کار در زمینه کالاهای صادراتی و مواد خام. به عنوان مثال، تقویت و توسعه پتروشیمی که موجب ایجاد اشتغال بیشتر می گردد و در عین حال ، درآمد حاصل از فروش نفت را افزایش می دهد.
21. اهتمام ویژه به تولید مایحتاج ضروری جامعه مانند مسکن ، امکانات آموزشی و بهداشتی ، توسعه شبکه های آب و برق ، تامین سوخت و امثال آن.
22. کاربرد کردن ساختار تولید ، به منظور رشد اشتغال و نهایتا ، افزایش دستمزد واقعی نیروی کار.
23. سرمایه گذاری در زمینه تولید انرژیهای جایگزین نفت و گاز ، بویژه انرژیهای پاک.
24. مبارزه با فساد اقتصادی ، قاچاق ، رانت خواری و بازار سیاه.
25. تعادل در امر کاهش و افزایش حجم پرداختهای انتقالی رفاهی ، تا از یکسو میزان تورم کنترل شود و بهره وری صنعتی محفوظ بماند و از سوی دیگر، اختلاف درآمد میان فقیر و غنی به صورت نامعقول افزایش نیابد.

26. برقرار ساختن پیوند مناسب میان حسابهای تولید و درآمد (از دید تقاضا) و محدوده داده ها- ستاده ها (از دید عرضه) و جریان حسابهای منابع مالی ، به منظور تدوین مدل جامع تجزیه و تحلیل برای ارزیابی دقیق پدیده هایی چون کنترل جمعیت ، تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی ، افزایش محصول کشاورزی و بالا رفتن قیمت انرژی.
27. تلاش در جهت متوازن کردن رشد اقتصادی.
28. تقویت بخش خصوصی و زمینه سازی برای مشارکت بیشتر مردم در امور اقتصادی.
29. ارتقاء روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای آسیای میانه به عنوان کوتاه ترین راه ارتباطی آنان با خلیج فارس.
30. گسترش نظام ارتباطات در عرصه های داخلی ، منطقه ای و بین المللی.
31. بالا بردن ارزش پول ملی .
32. اصلاح مقررات مربوط به چک و اعتبارات بانکی.
33. حمایت گسترده از بخش کشاورزی به نحوی که بتواند تولید مواد غذایی کشور را همگام با رشد جمعیت بالا ببرد و از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری کند.
34. ارتقاء سطح تسهیلات حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی در جهت توسعه راهها ، شبکه راه آهن ، بنادر و کشتیرانی و خطوط هوایی.
35. حمایت ویژه و قدردانی از مبتکران و اندیشمندان کشور در عرصه های صنعت ، تحقیقات و فناوری ؛ و پیشگیری از فرار مغزها.
36. از بین بردن انحصارات.

توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی عبارت است از:

" فرایند رشد جامعه در جهت رسیدگی به نیازمندان ، افزایش امنیت اجتماعی ، جبران خسارتهای، پیشگیری از آسیبها ، محافظت از مردم در برابر حوادث و تضمین برخورداری همگان از مواهب اولیه زندگی".

در سایه توسعه اجتماعی ، سلامت جسمی و روحی برای مردم فراهم می شود و شادابی و امید به آینده در سطح جامعه افزایش می یابد.

اصول توسعه اجتماعی

1. همگانی شدن تسهیلات آموزشی، پرورشی، بهداشتی و درمانی.
2. برنامه ریزی برای رشد عموم مردم.
3. گسترش سواد آموزی به صورت فراگیر.
4. افزایش امنیت اجتماعی در همه ابعاد.
5. حفظ طراوت و شادابی جامعه و کاهش میزان اضطراب و افسردگی.
6. تقویت روح برادری، برابری، گذشت، همیاری، شکیبایی، درستکاری، آزادی و مراعات حقوق دیگران.
7. تضمین مایحتاج رفاهی ضروری برای همگان.
8. برنامه ریزی جهت پیشگیری از آسیبهای اجتماعی مانند بزهکاری، اعتیاد، تصادفات و سوانح، آلودگی محیط زیست، فقر (بویژه کودکان خیابانی)، خودکشی، فحشا، بیماریهای روانی و مرگ و میر زودرس.
9. حاکم ساختن اصل کار و تلاش در جامعه و زدودن روحیه تن آسایی و راحت طلبی.
- 10- تناسب میزان سرانه سلامتی با نیازهای واقعی مردم.
11. تدوین و اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی.
12. هدفمند کردن یارانه ها.
13. همخوانی میزان رشد جمعیت با ظرفیتهای و امکانات کشور.
14. قرار دادن بنیان جامعه بر اساس نظم و انضباط اجتماعی.

تأمین اجتماعی

نظام تأمین اجتماعی بر اساس تجارب بسیاری از کشورهای توسعه یافته، شامل بخشهای زیر می گردد:

1- بیمه های اجتماعی مانند:

- بیمه خدمات درمانی.
- بیمه حوادث و سوانح.
- بیمه بیکاری.
- بیمه بازنشستگی.
- بیمه مراقبت از بیماران در منازل و خانه های شهروندان ارشد (سالمندان).

- 2- جبران خسارتهای اجتماعی مانند:
- حمایت از قربانیان جنگ و خانواده های آنان.
 - جبران خسارت زیان دیدگان به ناحق.
 - جبران خسارت قربانیان جنایی.
 - اعاده حیثیت اشخاص.
- 3- مساعدتهای اجتماعی مانند:
- کمکهای آموزشی و کارآموزی.
 - کمک مالی به نوجوانان.
 - کمک به پرورش کودکان از طریق والدین آنها.
 - کمک به نیازمندان در امر مسکن.
 - کمک به معلولان.
- 4- حمایتهای اجتماعی مانند:
- پرداخت کمک هزینه زندگی به خانواده های کم درآمد یا بدون درآمد.

توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی عبارت است از:

" فرایند بهینه سازی امکانات و شرایط مادی و معنوی جامعه در جهت شناخت هویت خویش ، ارتقاء سطح دانش ، شکوفا سازی استعدادها ، رشد اخلاق و ارزشهای الهی ، بهبود روابط انسانی ، گسترش فرهنگ قانون پذیری ، مراعات احترام دیگران ، آزادمندی ، بردباری ، خود اتکایی و نظم در امور".

بزرگترین ثروت یک کشور، منابع انسانی آن است. در صورت شکوفایی و بالندگی این گنج بی پایان ، مکنتی جاودانه و عاملی فعال پدید می آید که سرمایه را رشد می دهد ، از منابع طبیعی استفاده پایدار و مناسب بعمل می آورد ، سازمانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را سامان می بخشد و موجب توسعه ملی در همه ابعاد آن می شود. با این بیان ، اهمیت توسعه فرهنگی که رسالت پرورش نیروی انسانی را بر دوش دارد ، روشن می گردد.

شاخص های توسعه فرهنگی

به منظور سنجش توسعه فرهنگی یک جامعه ، معیارهای ویژه ای وجود دارد که مهمترین آنها بدین شرح است:

1- میزان خلاقیت فرهنگی.

- 2- میزان گسترش کمی و کیفی آموزش و پرورش.
- 3- میزان سرمایه گذاری در زمینه آموزش عالی.
- 4- میزان فضای پژوهشی فرهنگی.
- 5- میزان توانایی در امر شکوفا سازی استعدادها.
- 6- میزان قانون پذیری در جامعه.
- 7- میزان التزام افراد جامعه به نظم.
- 8- میزان پایبندی افراد به ارزشهای ملی ، فرهنگی ، اخلاقی و معنوی.
- 9- میزان ایمان مردم به وجدان کاری و ضرورت تحرک و تلاش.
10. میزان علاقه مندی مردم به میراث علمی و فرهنگی و اهتمام ورزیدن به دانشها و دانشمندان.
11. میزان علاقه مندی افراد جامعه به مطالعه.
12. میزان تولیدات فرهنگی در کشور.

ابعاد توسعه فرهنگی

- مهمترین ابعاد توسعه فرهنگی عبارتند از :
1. اصلاح فرهنگ عمومی بر مبنای ارزشهای اصیل ملی ، دینی و فرهنگی.
 2. بنیانگذاری بینش فرهنگی نسل جدید.
 3. بازسازی نظام آموزش و پرورش ، متناسب با مقتضای زمان و رسالت تعلیم و تربیت.
 4. ارتقاء آموزش عالی در راستای تولید علم.
 5. گسترش فضای پژوهشی و ایجاد آفرینندگی فرهنگی.
 6. برنامه ریزی در جهت شکوفایی استعدادها و شناسایی و پرورش استعدادهای درخشان.
 7. ترویج فرهنگ نظم ، قانون پذیری و وجدان کاری.
 8. تقدیر از قشر اساتید و معلمان و فراهم کردن زمینه لازم جهت شناخت و استفاده آنان از بهترین شیوه های آموزشی و مناسبترین روشهای پرورشی.
 9. تشویق و ترغیب مردم به مطالعه و کتاب خوانی.
 - 10- تبیین اهمیت برخورد مناسب با دیگران بر اساس احترام متقابل ، مدارا و شکیبایی ، نوع دوستی و تحمل آراء و عقاید آنان.
 11. گسترش هنرهای سودمند در عرصه های سینما ، تئاتر، نقاشی ، هنرهای تجسمی و مانند آنها.
 12. نگهبانی از هویت فرهنگی جامعه و ارزشهای آن ، همگام با حفظ بالندگی فرهنگی و استفاده صحیح از دستاوردهای دیگر تمدنها.

مراحل توسعه

توسعه بطور کلی و توسعه اقتصادی به نحو اخص ، در طی مراحل متعددی به ثمر می رسد. حذف هیچیک از این مراحل امکان پذیر نیست. تنها در صورت برنامه ریزی صحیح و تلاش گسترده ، سرعت گرفتن و کوتاه کردن فاصله زمانی هر یک از مراحل یادشده ممکن خواهد بود.

مراحل توسعه از دیدگاه بسیاری از دانشمندان ، بدین شرح است:

1. تغییر ساختارهای نظام کهن.
 2. روی کار آمدن دولت توسعه خواه با ساختار سیاسی و اجرایی مناسب.
 3. سرمایه گذاری گسترده در زمینه مدرن سازی بافت تولید و اصلاح ساختارها.
 4. ایجاد توازن در سرمایه گذاری و تناسب در امر تولید از طریق بلوک بندی آنها.
- در این مرحله ، برخی از سرمایه گذاریها حفظ و برخی دیگر حذف می شوند و بخشهای به تکامل رسیده با بافت جهانی هماهنگ می گردند.
5. در مرحله پنجم ، بلوغ فنی و رشد متوازن به عنوان مرحله نهایی فرایند توسعه فرامی رسد.

والحمد لله رب العالمین

هامبورگ - آلمان

سید رضا حسینی نسب

اردیبهشت 1382